

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Vanguard Woman

زن پیشواز

نویسنده: اناهیتا اردوان
فرستنده: دپلوم انجنیر نسرین معروفی
۱۲ دسمبر ۲۰۱۹



۴

النور مارکس

«النور مارکس»، جوانترین دختر کارل مارکس، در شانزدهم ژانویه ۱۸۵۵ در لندن به دنیا آمد. در سه سالگی قادر بود، بخشهایی از آثار شکسپیر را از حفظ بخواند. رفتار کارل مارکس با النور نظیر یک رفیق و دوست بود.



النور در شانزده سالگی به عنوان منشی پدرش در کنفرانس جهانی پیرامون سوسیالیسم شرکت کرد. در هفده سالگی به روزنامه نگار فرانسوی، لیساکری، علاقه مند شد. اگرچه کارل مارکس با لیساکری، دارای نظرات مشترک سیاسی بود. اما، از برقراری ارتباط عاطفی آن دو راضی نبود. زیرا، لیساکری، تقریباً دو برابر النور مارکس، سن داشت. با اینحال، النور در نگارش تاریخ کمون در سال ۱۸۷۱، به لیساکری یاری رساند.

النور مارکس به جز زبان انگلیسی، به زبانهای فرانسوی و آلمانی نیز تسلط کامل داشت. وی در سال ۱۸۷۶ در کمپین برابری جنسیتی فعالیتهای چشمگیری داشت و سرانجام در سال ۱۸۸۰، ارتباط عاطفی اش را با لیساکری پایان گرفت.

کارل مارکس قبل از این که دیده از جهان فروبندد، از دخترش النور و است که دست نوشته های ناکامل او را برای چاپ تکمیل نماید. النور رکز در همان زمان در حال ترجمه اثر دیگر مارکسیستی به زبان انگلیسی بود.

سال ۱۸۸۴، با ادوارد اولینگ آشنا شد. آن دو، دارای نقطه نظرهای سیاسی مشترکی بودند. النور در سال ۱۸۸۵ موفق به سازماندهی کنگره جهانی سوسیالیستی در پاریس شد. او و اولینگ، سخنرانی بسیار مؤثر و موافقی را در آمریکا ایراد کردند. افزون بر اینها، رفیقانش را در تشکیل بسیاری از اتحادیه های کارگری در کشورهای مختلف، یاری رساند. از النور مارکس، کتابهای نسبتاً زیادی به جای مانده است که از آنها می توان «کارخانه جهنمی»، «پرسشهایی پیرامون مسائل زنان»، «جنبش کارگری در آمریکا»، «جنبش کارگری در انگلیس» و ... نام برد.



این زن مارکسیست انقلابی، عمیقاً اعتقاد داشت که با دگرگونی نگرش غالب بر سیستم سرمایه داری در مورد عشق و ازدواج، میتوان راه را برای سوسیالیسم هموار ساخت.

اگرچه، النور هنگامی که ادوارد اولینگ سخت بیمار بود از وی در اوج سخاوت انسانی، پرستاری کرد. ولی، در ۳۱ مارس ۱۸۹۸ به جهت ضربه عاطفی بی که از ادوارد اولینگ متحمل شد، خودکشی کرد و به زندگی سرشار از مبارزه، تحقیقات علمی و جستجوگرش پایان داد. از النور مارکس میتوان به عنوان یکی از پایه گذاران نخستین تشکیلات سوسیالیستی در انگلستان و از رهبران اتحادیه های کارگری یاد کرد.

الیزابت گرلی فلین

- «تنها مشکل جنسیتی که من می‌شناسم این است که زنان چگونه بدن خود را داشته باشند و چگونه آزاد باشند به نحوی که تنها عشق، محرک رفتارشان باشد. من تنها یک راه می‌شناسم، آن هم حل این مسأله است که چگونه زندگی کنند، یعنی چگونه تغذیه شوند و لباس بپوشند و چگونه زندگی اقتصادی خودشان را بگذرانند. بردگی جنسی پیامد بردگی اقتصادی است و این تنها بیان ظریف فحشاست. حال خواه برای یک شب باشد، خواه برای تمام عمر».

«الیزابت گرلی فلین»، کمونیست و از سازماندهندگان و رهبران اتحادیه کارگران صنعتی جهان، به «زنی با روحیه یی آهنین» مشهور بود. یکی از برجسته ترین اعضای «سازمان کارگران صنعتی جهان»، در سال ۱۹۰۶، در سن شانزده سالگی به سازمان مذکور، پیوست و یک سال بعد، اولین اعتصاب کارخانه لاستیک سازی «بریج پورت» در ایالت «کنتیکت» را تجربه کرد. از آن پس، در همه جا حضور داشت؛ در میان معدنچیان، در میان کارگران نساجی، که ۱۷ ماه در برابر چماق و استنشاق گاز، سرما و زندانی شدن گروهی ایستادگی کردند.



الیزابت، ۲۳ هزار کارگر نساجی «لورانس» را طی ۲ ماه اعتصاب طاقت فرسا، همراهی کرد. او در میان ابریشمبافان «لورانس» و «روبانسازان» که ۵ ماه تمام در مقابل شقاوت پلیس، دستگیری و گرسنگی، پایداری نمودند، پیوسته از مشی طبقاتی انقلابی پیگیر پیروی کرد. الیزابت، هیچگاه امتیازی به بورژوا فمینیستها نداد و اعتقاد داشت «ملکه یی که در کاخ خود نشسته است، هیچ منافع مشترکی با خدمتکاران آشپزخانه ندارد. همسر صاحب یک فروشگاه بزرگ هیچگونه دغدغه‌ی خاطری برای آن دختر هفده ساله ایی که به خاطر ۵ دلار در هفته تن به فحشاء میدهد، ندارد».

الیزابت، به پیکار دوشادوش زنان و مردان کارگر جهت پی ریزی مناسباتی عادلانه باور داشت و معتقد بود؛ «رهایی واقعی و کامل زنان بدون انقلاب سوسیالیستی تحقق نخواهد یافت. برای رهایی زنان به چیزی به مراتب بیشتر از یک حق رأی مجرد نیاز است. تنها انقلاب اجتماعی قادر به شکستن اسارت و بی اثری کنونی زنان است. انقلاب اجتماعی پیش شرط درهم شکستن قیود ناشی از ستم جنسیتی است».

هنگامی که کارگر انقلابی «جو هیل» در سال ۱۹۱۵ به خاطر حمایت قاطع از منافع طبقاتی کارگران و زحمتکشان با اتهامات جعلی و ساختگی نیروی سرکوبی، به اعدام محکوم شد، در زندان ترانه - سروده «دختر شورشی» را نوشت. وی، سروده مزبور را تحت تأثیر افکار و احساسات فلین، «دختر شورشی» نامید و آن را به الیزابت که برای دیدار جو هیل به زندان میرفت، تقدیم نمود. جو هیل به الیزابت می گفت: «تو پیوسته با من رو راست بودی».

ادامه دارد